

اقتصاد مقاومتی با رویکرد توسعه اقتصادی

محمد حسن اسدی*
دکتر خداپرست شیرازی

معاون اداری و مالی شهرداری شیراز
رئیس بخش اقتصاد دانشگاه آزاد شیراز

چکیده

اقتصاد مقاومتی، به معنی روش‌های صحیح تصمیم‌گیری اقتصادی در شرایط تحریم، فشار و کمبود منابع در جامعه است، به گونه‌ای که این سبک منجر به شکوفایی اقتصادی شود. این الگو موجب ایجاد امنیت و ثبات در اقتصاد و عدم تزلزل در برابر شوک خارجی اقتصادی و جلوگیری از امتیازدهی به دشمنان است. این مقاله مروری است بر تعاریف گوناگون اقتصاد مقاومتی از دیدگاه‌های مختلف و همچنین در این مقاله سعی شده است با ارائه راه‌کارهایی رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی را میسر نمود. از آنجایی که اقتصاد مقاومتی به معنای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد با تداوم رشد توسعه اقتصادی است؛ لذا نباید با اقتصاد مقاومتی شعاری و نمایشی برخورد کرد، بلکه نهادهایی چون سازمان مدیریت و وزارت اقتصاد باید برنامه‌های بلند مدتی برای تحقق این موضوع داشته باشند. در پایان مقاله، این نتیجه اثبات می‌شود که تحقق عدالت توأم با توسعه و پیشرفت اقتصادی نیازمندی یک الگوی توسعه بومی منحصر به فرد اسلامی - ایرانی است که در چارچوب اقتصاد مقاومتی و با برنامه‌ریزی در راستای بی‌اثر نمودن تحریم‌ها باشد همچنین در این مقاله ارتباط اقتصاد مقاومتی با شهرداری‌ها بررسی و راه‌کارهایی جهت تحقق اقتصاد مقاومتی در شهرداری‌ها پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، شکوفایی اقتصادی، توسعه اقتصادی

1. تعریف

اقتصاد مقاومتی (Resistive economy) روشی برای مقابله با تحریم‌ها علیه یک منطقه یا کشور تحریم شده می‌باشد در شرایطی که صادرات و واردات برای آن کشور مجاز نمی‌باشد اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و پس از این تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن تاثیرها می‌باشد و در شرایط آرمانی یعنی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی، باید وابستگی‌های خارجی کاهش یابد و بر تولید داخلی کشور و تلاش برای خوداتکایی تاکید گردد.

هدف از این الگوی اقتصادی ایجاد امنیت و ثبات در اقتصاد و عدم تزلزل در برابر شوک خارجی اقتصادی است و در نهایت موجب شکوفایی اقتصادی، رفع مشکلات موجود و جلوگیری از امتیازدهی به دشمنان می‌گردد (خانباشی، محمد، مقاله «تحقق اقتصاد مقاومتی در سایه مدیریت جهادی»)

این روش اقتصادی از نظر تعریف با اقتصاد ریاضتی تفاوت دارد ریاضت اقتصادی، طرحی یک طرفه است و از ناحیه دولت‌ها به مردم تحمیل می‌شود. هدف اصلی ریاضت اقتصادی کاهش هزینه‌ها است و رفع کسری بودجه‌ی دولت و به همین دلیل دولت‌ها به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت‌ها انجام می‌شود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و دریافت وام‌ها و کمک‌های مالی خارجی نیز می‌انجامد. (کریمی، سحر و محمد صفاری انارکی. (1392)، «اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب»)

اصطلاح اقتصاد مقاومتی اولین بار پس از محاصره غزه در سال 2005 که ناتوانی در امر امکان صادرات و در نتیجه کشت بسیاری از محصولات کشاورزی از جمله توت‌فرنگی را کاهش داده بود استفاده شد و ضوابط و معیارهای حاکم بر مفهوم اقتصاد مقاومتی شناسایی گردید.

در ایران، پس از تشدید تحریم‌ها در سال‌های اخیر این شیوه توسط حکومت ایران

ترویج می‌شود و هدف استفاده از توان داخلی و مقاومت در مقابل تحریم‌ها با ایجاد کم‌ترین بحران است.

طبق نظر دولت‌مردان ایران در تعریف اقتصاد مقاومتی، ضرورت مقاومت برای رد کردن فشارها و عبور از سختی‌ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی مورد نیاز است. در حقیقت می‌توان گفت اقتصاد مقاومتی در مقابل اقتصاد سرمایه‌گذاری و مبتنی بر اقتصاد اسلامی است.

از آنجایی که اسلام دارای مکتب اقتصادی است؛ لذا مبنای اقتصاد مقاومتی بایستی مبتنی بر اقتصاد اسلامی و با نگاه به خود و توجه به داشته‌های خود باشد. اقتصاد مقاومتی، یک تاکتیک خطی نیست بلکه یک نظریه تمام‌عیار است که در نهایت اقتصاد کشور را به سمت اقتصادی توسعه‌یافته - گفتمانی پیش می‌برد که فواید آن مقاومت در برابر تهاجم اقتصادی، مقاومت در برابر ساختار غلط، فشار، بروکراسی هرز برنده استعدادهای، رانت‌خواری و به طور خلاصه مقاومت در برابر هر عاملی است که مانع ایجاد اقتصادی پویا و سالم باشد.

حوزه‌ی فعالیت اقتصاد مقاومتی را می‌توان به 2 بخش داخلی و خارجی تقسیم‌بندی نمود، زیرا هر قدر که اقتصاد ایران در خارج نیاز به اقتصاد مقاومتی دارد، در داخل نیز در مقابل مفسدان اقتصادی و سیاسی و رانت‌خواران نیاز به اصلاح امور اقتصادی - سیاسی دارد.

از آنجایی که بحث اقتصاد مقاومتی یک بحث تئوری نیست، بلکه یک ضرورت است لذا در تلاش برای تحقق این الگوی اقتصادی نباید به دنبال تئوری‌پردازی بود. از طرفی نباید به این الگوی اقتصادی نگاه شعاری داشته باشیم چرا که اقتصاد مقاومتی واقعی ناظر به ملاحظات داخلی و خارجی است و لذا این اقتصاد به معنای انزوای اقتصادی و بستن درهای کشور به روی دنیا و «اقتصاد بسته» نیست، بلکه مقدمه تبادلات اقتصادی در این راهبرد «استقلال اقتصادی» است.

2. اقتصاد مقاومتی از منظر مقام معظم رهبری

در چند سال اخیر و با شدت یافتن تحریم‌های یک جانبه و غیرانسانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف متوقف کردن برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، واژه‌ی جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور اضافه و به فراخور حال و روز اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار گرفته است.

این واژه، اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال 1389 مطرح گردید. در همین دیدار، رهبر معظم انقلاب «اقتصاد مقاومتی» را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» را معرفی نمودند.

برای مفهوم اقتصاد مقاومتی در همین مدت زمان کم، تعاریف متفاوتی ارائه شده که هر کدام از جنبه‌ای به این موضوع نگاه کرده‌اند. در این میان، تعریف جامع و کامل از اقتصاد مقاومتی را خود رهبر فرزانه انقلاب ارائه داده‌اند. ایشان در دیدار با دانشجویان فرمودند:

«اقتصاد مقاومتی، یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده رشد و شکوفایی کشور باشد.» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان 91/5/16)

ارکان اقتصاد مقاومت از دیدگاه مقام معظم رهبری

الف: مقاوم بودن اقتصاد

ب: استفاده از همه‌ی ظرفیتهای دولتی و مردمی

ج: حمایت از تولید ملی

د: مدیریت منابع ارزی

ه: مدیریت مصرف

3. چهارتعریف از اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی را می‌توان چهارگونه تعریف نمود و چهار الگو از آن یا ترکیبی از همه‌ی آن‌ها را در کشور به عنوان پروژه‌هایی ملی پیگیری کرد.

3-1. اقتصادموازی

تعریف اول از اقتصاد مقاومتی به مثابه‌ی «اقتصاد موازی» است؛ یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی، با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته‌ی امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادهای مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا در حقیقت از عهده‌ی نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی‌آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کار ویژه ایجاد کند؛ یعنی ما در کشورمان به «اقتصاد پریم» نیاز داریم.

این امر البته به معنای نفی نهادهای مرسوم نیست. کما این‌که اکنون ما همزمان از هر دو نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهاد ارتش جمهوری اسلامی برای دفاع از انقلاب بهره‌مندیم. البته این الگو در مدل‌های حکمرانی مرسوم در دنیا و اتفاقاً در کشورهای که از تجربه و توان حکمرانی بیش‌تری برخوردار باشند وجود دارد و این کشورها از نظام‌های چندلایه‌ی سیاست‌گذاری و اداره‌ی امور عمومی برخوردارند. به عنوان مثال: می‌توانیم از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمانهای مردم‌نهاد، خیریه و بنگاه‌های خصوصی در عرصه‌ی بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه‌ی دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه‌یافته‌ی غربی نام ببریم. البته مهم‌ترین مشکل الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه‌ی اجرا با سؤالات نوینی روبه‌رو خواهد بود، زیرا مثلاً هیچ‌تصوری از «بانک مرکزی موازی» در یک کشور و سامان‌بخشی به عرصه‌ی پولی - مالی کشور در دو لایه‌ی دولتی و عمومی وجود ندارد اما باز هم منطقاً

نمی‌توان این الگو را در زمره‌ی مدل‌های اداره‌نشدنی و غیرمعقول به حساب آورد.

3-2. اقتصاد ترمیمی

تعریف دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی «مقاوم‌سازی»، «آسیب‌زدایی»، «خلل‌گیری» و «ترمیم» ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی است. یعنی اگر در رویکرد قبلی می‌گفتیم که فلان نهاد نمی‌تواند انتظارات ما را برآورده کند، در رویکرد جدید به دنبال آن هستیم که با باز تعریف سیاست‌های نهادهای موجود، کاری کنیم که انتظارات ما را برآورند. مثلاً در این تعریف، ما از بانک مرکزی یا وزارت بازرگانی می‌خواهیم که کانون‌های ضعف و بحران را در نظام اقتصادی کشور شناسایی کنند و خود را براساس شرایط جدید اقتصادی، تحریم‌ها یا نیازهای انقلاب اسلامی باز تعریف نمایند و در نتیجه عملکردی جهادی ارائه دهند. در مقام تمثیل می‌توان گفت این کار شبیه همان کاری است که «پتروس فداکار» با فرو بردن انگشت خود در ترک دیواره‌ی سد انجام داد، یعنی باید ترک‌های ساختاری دیوار نهادهای اقتصادی را ترمیم کنیم. این مسئله یعنی ترمیم و مقاوم‌سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم که امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه‌یافته نیز در برهه‌هایی از تاریخ اقتصادی خود، مجبور به مقاوم‌سازی ساختارهای اقتصادی شدند. مثلاً غرب پس از دو شوک نفتی 1979 و 1983 میلادی، اقدام به جایگزینی سوخت‌های فسیلی با سایر سوخت‌های نوین کرد؛ به طوری که امروزه با قیمت‌های بالای یک صد دلار نیز دچار شوک نفتی نمی‌شود. با این توضیحات ما امروز فقط نیازمند عزمی ملی برای اجرای این پروژه‌ی ملی و ارزشی هستیم.

3-3. اقتصاد دفاعی

تعریف سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه «هجمه‌شناسی»، «آفندشناسی» و «پدافند

شناسی» ما در برابر آن هجمه است. یعنی ما باید ابتدا بررسی کنیم که مخالفان ما حمله به اقتصاد ایران و اخلال در آن را چگونه و با چه ابزارهایی صورت می‌دهند. بنابراین وقتی به اقتصاد مقاومتی دست یافته‌ایم که ابزارها و شیوه‌های هجمه‌ی دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و براساس آن‌ها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد.

3-4. اقتصاد الگو

چهارمین تعریف نیز این است که بنیاد اقتصاد مقاومتی یک رویکرد کوتاه مدت سلبی و اقدامی صرفاً پدافندی نیست؛ برخلاف سه تعریف قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه مدت می‌دانستند، این رویکرد چشم‌اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می‌شود. این تعریف هم که به نظر می‌رسد دور از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب نیست، رویکردی ایجابی و دوراندیشانه دارد. در این رویکرد، ما در پی «اقتصاد ایده‌آلی» هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه اقتصاد اول منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام‌بخش و کارآمد بوده و زمینه‌ساز تشکیل «تمدن بزرگ اسلامی» باشد. بدین معنا به طور اساسی، در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه‌های مهم الگو می‌باید متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسک‌پذیری و نوآوری می‌شود.

4. راه‌کارها در تحقق اقتصاد مقاومتی

در طی چند دهه و در تلاش برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران، دشمنان، همواره از ابزارهای مختلف مبارزه استفاده نموده‌اند؛ اما ابزاری که همیشه در کنار سایر ابزارها بوده، مبارزه اقتصادی است که امروزه به آخرین و موثرترین ابزار دشمن تبدیل

شده است.

ضعف و مشکل اصلی در اقتصاد ایران، تک محصولی بودن و وابستگی آن به نفت است که موجب گردیده نفت، که می توانست ابزار فشار به خریداران غرب و شرق باشد، به ابزاری برای تهدید و اعلام فشار تبدیل گردد. اقتصاد مقاومتی، الگویی است که می تواند در مبارزه با این تهدیدها موثر واقع شود.

اقتصادمقاومتی، یک نظام اقتصادی است که هماهنگ با سیاست‌های کلان سیاسی و امنیتی نظام اسلامی و برای مقاومت در برابر اقدامات تخریبی شکل بگیرد؛ تا بتواند در برابر ضربات اقتصادی تحریم‌ها و توطئه‌های گوناگون اقتصادی نظام استکبار مقاومت کرده و توسعه و پیشرفت خود را ادامه دهد و روند رو به رشد همه جانبه خود را در ابعاد ملی، منطقه‌ای و جهانی حفظ کند اقتصاد مقاومتی، رابطه نزدیکی با انسجام ملی دارد. منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست، نه یک اقتصاد منفعل و بسته به طوری که کشور ضمن مقاومت در مقابل موانع و ناملازمات مسیر خود روند پیشرفت پایدار خود را حفظ کند.

توجه به راه‌کارهای ذیل برای رسیدن به اهداف «اقتصاد مقاومتی» ضروری است.

1- نقطه شروع اقتصاد مقاومتی، سیاست‌گذاری برای اصلاح الگوی مصرف است. مصرف، تولید را جهت می‌دهد و این دو در کنار هم، جهت سرمایه‌گذاری را مشخص می‌کنند. رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می‌تواند به افول و کم رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج، ارتقای تکنولوژی در سطح کلان‌تر شکل می‌گیرد البته باید به گونه‌ای عمل کرد که اقتصاد مقاومتی به معنای تحمیل فشار به مردم نباشد.

2- افزایش بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمام شده تولیدات، کیفیت بهتر و خدمات بیش‌تر در رقابت با تولیدات خارجی و کاهش واردات، حمایت از تولید ملی به ویژه تولیدات استراتژیک

3- کاهش آمار بیکاری و خشکاندن ریشه‌های فقر و آسیب‌های اجتماعی ناشی از

بیکاری در جامعه.

- 4- فعال‌سازی سیستم‌های حمایتی پولی و مالی و بیمه‌ای بخش تولید برای تحرک در اقتصاد داخلی و نیز حمایت از صادرات کالاهای غیرنفتی.
- 5- افزایش واردات «دانش فنی»، «خطوط تولید» و «ماشین‌آلات» در ازای کاهش واردات کالاهای مصرفی با توجه به اهمیت این نوع معاملات در عصر اطلاعات همزمان با «تولید علم» و تولید «دانش فنی» و حمایت از «شرکت‌های دانش‌بنیان».
- 6- تداوم سیاست‌های مربوط به خودکفایی کالاهای اساسی مانند: گندم، روغن، شکر یا حداقل ترتیباتی برای یک «اقتصاد ترکیبی مقاومتی» در این باره و با توجه به فقدان طبیعی استعداد کشور برای خودکفایی کامل، نوع همسازی با دیگر کشورها و کانون‌های اقتصادی دنیا باید در راستای اهداف استراتژیک کشور شکل گیرد.
- 7- توجه به معضل تورم و برقراری یک نظام قابل پیش‌بینی و قابل مدیریت در قبال شاخص تورم و تطبیق آن با سطح حقوق و دستمزدها و نیز قیمت ارز در پیشگیری سیاست‌های بهینه در این فرآیند.
- 8- تبدیل «تهدیدها» به «فرصت‌ها» در روند تأمین کالاها به این معنا که به محض اعمال تحریم در برخی از کالاها، شکل‌دهی به عزم ملی در حوزه فناوری و صنعت و تجارت برای ایجاد «خودکفایی» کامل یا حداقل «خودتکایی» در تولید و تأمین این اقلام لازمه اقتصاد مقاومتی است. نباید اجازه داد در مورد فشارها و تهدیدهای اقتصادی، بزرگ‌نمایی شود.
- 9- کاهش اتکا به نفت، از طریق «کاهش واردات» و «افزایش صادرات غیرنفتی» یا کالاهای استراتژیک متکی بر نفت، مانند پتروشیمی.
- 10- برقراری ارتباطات خاص اقتصادی با برخی از کشورهای دوست، گسترش ارتباطات اقتصادی با کشورها و بلوک‌های منطقه‌ای و متعدد کردن شرکای تجاری از یک شریک عمده به چند شریک کوچک‌تر.
- 11- تلاش برای جلوگیری از توافق در قبال نظام اسلامی در سطح بین‌الملل، باید

این مهم با توجه به آسیب‌پذیری‌های اقتصاد جهانی و جاذبه‌های اقتصادی و تجاری ایران و توانایی‌های شکل گرفته در توسعه اقتصادی و فناوری کشور سامان‌دهی شود.

12- ایجاد شرکت‌های مشترک با ایجاد ارتباطات مؤثر شرکت‌ها و مؤسسات ایرانی با برخی از مؤسسات خارجی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای تعامل و تأمین در موارد ضروری در فناوری و تجهیزات فنی و کالا به نحوی که با وجود تلاش استکبار، امکان مداخله و فشار خارجی در این خصوص فراهم نشود، ضمن این‌که ایجاد این‌گونه ارتباطات بین بخش خصوصی کشور با هم‌تایان خارجی آن‌ها مؤثرتر خواهد بود.

13- تلاش برای جلوگیری از ایجاد توافق و تحریم بانکی و وجود تحرک برای ارتباطات مؤثر بانکی و بیمه و حمل و نقل با استفاده از امکانات خارج از سلطه قدرت‌های مخالف.

14- مراقبت از توان‌مندی حمل و نقل کشور و جلوگیری از گرفتگی انسداد و محدودیت توسط استکبار در قبال حمل و نقل، به ویژه حمل و نقل دریایی و واکنش مناسب در صورت نزدیک شدن دشمن به این عرصه.

باید بدانیم تحریم‌های کنونی ذیل مواد پانزده گانه ماده 41 فصل هفتم منشور ملل متحد انجام می‌شود. لذا در اقتصاد مقاومتی، باید ضمن راهبرد نویسی، اقدامات احتمالی آینده در عملی کردن بندهای دیگر ماده پیش‌بینی شود و راه‌بردها براساس بدترین شرایط تحریمی احتمالی چیده شود.

15- شکل‌گیری روحیه «جهاد اقتصادی»، «تولید ملی» و «جوانمردی ایرانی». ضمن آن‌که برای تقویت اقتصادی ملی «دیپلماسی اقتصاد مقاومتی» نیز لازم است؛ هدف از این نوع دیپلماسی تبیین دستاوردهای اقتصاد مقاومتی در مقابل فشارهای وارده است. فشارها در مورد کالای مصرفی و شاخص‌های روزمره اقتصادی وارد می‌شود، ولی دستاوردهای مقاومت کشور، دستاوردهایی استراتژیک و بلند مدت هستند، همچون خودکفایی در تکنولوژی‌ها و فناوری‌های برتر (هسته‌ای) استقلال در سیاست

خارجی و...

16- خودداری از اسراف و ضایع کردن کالاها و ذخیره‌سازی کالاهای اساسی در ابعاد حجیم توسط دولت و انبارک‌های کوچک و هدایت شده و هوشمند توسط مردم (مانند کشور سوئیس) حتی در زمان صلح و آرامش جهت تأمین امنیت غذایی مردم.

17- برقراری ارتباطات فراوان «متعدد» بین «اقتصاد ملی» و «اقتصاد جهانی» که برای نظام استکبار غیرقابل کنترل است و احتیاط در ارتباطات بزرگ که مورد تهدید واقع شود.

18- آمادگی برای انجام اقدامات مقابله به مثل در برخی موارد؛ با توجه به برتری‌های استراتژیک نظام اسلامی از جهت تسلط بر آبراه‌ها، منابع نفتی، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک (کریمی، سحر و محمد صفاری انارکی، (1392)، «اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب»)

این‌ها اهداف کلانی است که باید به آن‌ها دست یافت. دستیابی به این شرایط شدنی است. این یک «مأموریت ممکن» است. نظام اسلامی قادر است با برنامه‌ریزی، تلاش، تدوین استراتژی‌ها و اقدامات لازم، با محوریت اقتصاد مقاومتی، بخش عمده‌ای از تهدیدهای امروز را نیز به فرصت تبدیل کند.

5. اقتصاد مقاومتی و توسعه اقتصادی

اقتصاد مقاومتی به معنای کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد با تداوم رشد توسعه اقتصادی است و لذا نباید با اقتصاد مقاومتی شعاری و نمایشی برخورد کرد بلکه نهادهای چون سازمان مدیریت و وزارات اقتصاد باید برنامه‌های بلند مدتی برای تحقق این موضوع داشته باشند.

با تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در کشور دیگر تحریم‌ها نه تنها مانع رشد و پیشرفت کشور نیست، بلکه باعث خودکفایی در نیازهای ضروری و همین‌طور اصلاح سازوکارهای معیوب اقتصادی خواهد شد.

تحریم‌ها، به خصوص تحریم‌های اخیر و کاهش درآمدهای نفتی بر زخم اقتصاد ایران نمک پاشیده و هزینه‌های اقتصاد ایران را افزایش داده است. اما هر زمان که برنامه‌ریزی‌ها دقیق‌تر و مداخله دولت با برنامه و آگاهانه‌تر بوده است، نتایج تحریم بی‌اثر و یا کم‌اثر شده است و هر زمان که مدیریت شرایط اقتصادی بدون برنامه و رویکرد مبتنی بر دانایی محوری بوده است؛ حتی در شرایط کاهش تحریم‌ها نتایج بدی به دست آمده است. به طور مثال در صنایع نظامی و صنعت نفت، وجود عزم و اراده ناشی از تنگناهای تحریم موجب پیشرفت‌های چشمگیر شده است، اما در سایر صنایع از جمله خودروسازی، کانال‌های مصرفی، لوازم خانگی و منسوجات که به ندرت مشمول تحریم‌ها بوده است یا با پیشرفت‌های اندک روبه‌رو بوده‌ایم و یا واردات بی‌رویه و بی‌برنامه در چارچوب اقتصاد بازار، منجر به نابودی آن صنعت شده است. بنابراین، می‌توان گفت که نه تنها تحریم‌ها در صورت تدبیر مناسب بی‌اثر خواهند شد، بلکه مانند دو کشور ژاپن و کره که عاری از هرگونه درآمد نفت و منابع طبیعی هستند می‌توان با تکیه بر دانایی محوری و وجود الگوی توسعه بومی، عاری از هرگونه فساد به پیشرفت‌های شایسته‌ای دست یافت و بی‌شک اقتصاد مقاومتی در این چارچوب تسهیل‌کننده آثار تحریم‌ها در راه دستیابی به این هدف است.

لذا برای گرفتن راهبرد مناسب توسعه صنعتی در اقتصاد مقاومتی و با وجود تحریم‌ها راه‌حل‌های زیر ضروری خواهد بود:

تقویت همبستگی دورنی، حداقل نمودن تنش‌های اجتماعی، کاهش تفاوت‌های درآمدی بین طبقات اجتماع، تحقق عدالت اجتماعی و برابری، دخالت آگاهانه دولت، منع مبادله آزاد سرمایه، ایجاد اقتصاد تولیدی و نه اقتصاد مصرفی، قربانی نمودن خواسته‌های لحظه‌ای مصرف‌کنندگان در مقابل اهداف بلندمدت توسعه، مبارزه بی‌امان با فساد به خصوص در سطح مسئولان و مدیران و ایجاد دولت عاری از فساد، جانشینی تولیدات خارجی به وسیله محصولات داخلی، جایگزینی تعاونی خالص با رقابت ناسالم درونی و استراتژی حمایت عام از تمام صنایع بخصوص صنایع استراتژیک و نیز

کشاورزی، گسترش فن آوری و تحقیق و توسعه، ارائه مشوق‌های صادراتی، مالی و بودجه‌ای و موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای بر واردات، هدف‌گذاری صنعتی، ارتقای ساختار صنعتی و کنترل اعتبارات از سوی دولت، حمایت عام از تمام صنایع و بنگاه‌ها در کنار حمایت از صنایع و بنگاه‌های خاص.

6. نتیجه‌گیری

پس از عصر روشن‌فکری و پیدایش اقتصاد کلاسیک، روح سرمایه‌داری و نفع شخصی بر نظریات اقتصادی سایه افکند و اقتصاد کلاسیک و نئوکلاسیک، تجارت آزاد، حذف تعرفه‌ها، خصوصی‌سازی، حذف یارانه‌ها و تعرفه‌ها را به عنوان سیاست‌های اقتصادی که موجب تقسیم کار جهانی بر پایه برتری‌های نسبی است پیشنهاد نمود. مجموعه سیاست‌های اقتصاد نئولیبرالی با رویکرد حذف مداخله دولت در اقتصاد، توسط نهادهای مالی جهانی از جمله IMF به کشورهای در حال توسعه از جمله ایران تحمیل شد و در همان حال کشورهای شرق آسیا با سیاست‌های دولت‌های هدایت‌گر توسعه‌گرای خود در حال پیشرفت‌های معجزه‌آسای خود بودند. نتایج الگوی توسعه نئولیبرال نیز برای کشورهای در حال توسعه نه تنها موجب نابرابری و بی‌عدالتی گشت، بلکه منجر به توسعه این کشورها نیز نشد.

طبق مطالب ذکر شده تحقق عدالت توأم با توسعه و پیشرفت اقتصادی نیازمند یک الگوی توسعه بومی منحصر به فرد اسلامی ایرانی است که در چارچوب اقتصاد مقاومتی و با برنامه‌ریزی جهت بی‌اثر نمودن تحریم‌ها باشد. در چارچوب اقتصاد مقاومتی و وجود تحریم‌ها سخن از برتری‌های نسبی در تولید کالاها و صنایع استراتژیک نامتناسب است و مسلماً باید در تولید محصولات کشاورزی از جمله گندم و نیز صنایع استراتژیک رویکرد خودکفایی وجود داشته باشد. همچنین برنامه‌ریزی منسجم در صنایع با تکنولوژی‌های پیشرفته (از جمله خودرو، لوازم خانگی و تصویری و...) برای بازار تقاضای داخل و البته صادرات به خارج باید صورت گیرد. عدم اعتماد

به الگوی تقسیمی کار جهانی و اتخاذ استراتژی مناسب جهت حمایت از تمام صنایع و بنگاه‌های داخلی در کنار حمایت از صنایع خاص و بنگاه‌های خاص راهگشا خواهد بود. حمایت از صنایع استراتژیک مانند فولاد، ماشین‌آلات، صنایع الکترونیکی و شیمیایی در کنار حمایت از بخش‌های استراتژیک مانند کشاورزی در اقتصاد مقاومتی دارای اهمیت است.

اقتصاد مقاومتی در شهرداری ها

مقصود از اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد تاب‌آور، اقتصادی است که در تمامی شرایط بتواند تعادل خود را حفظ نموده و حتی رشد نماید. از این رو در این نوع اقتصاد، رویکردی استراتژیک وجود دارد به گونه‌ای که تهدیدها به فرصت و نقاط ضعف به نقاط قوت تبدیل گردد. در حقیقت می‌توان گفت؛ اقتصاد مقاومتی یک راهبرد و یک استراتژی دفاعی در برابر تحریم‌ها و فشارهای خارجی می‌باشد.

در نقطه مقابل اقتصاد مقاومتی، اقتصاد آسیب پذیر وجود دارد که به دلیل دارا بودن نقاط ضعف بالقوه، در شرایط بحرانی دچار تزلزل و عدم تعادل می‌گردد. از آنجایی که در شهرداری‌ها نیز به نوعی با اقتصاد آسیب‌پذیر مواجه هستیم، لذا در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی در شهرداری‌ها می‌بایست نقاط ضعف را شناسایی و آن‌ها را به نقاط قوت و تهدیدهای موجود را به فرصت تبدیل نمود.

بحث اقتصاد در شهرداری‌ها را می‌توان به دو بخش عمده و مهم تقسیم نمود: درآمد و هزینه پس لازم است بحث اقتصاد مقاومتی در هر دو حوزه اجرایی گردد. در مبحث درآمد، مهم‌ترین نقطه ضعف موجود وابستگی شهرداری‌ها به درآمدهای ناپایدار می‌باشد.

درآمدهای شهرداری را می‌توان به دو دسته درآمدهای پایدار و ناپایدار تقسیم کرد. درآمدهای ناپایدار شامل مواردی چون فروش تراکم ساختمانی، تثبیت تجاری، تخلیقات ساختمانی و صدور پروانه ساخت می‌گردد. در حالی که درآمدهای پایدار شامل

عوارض نوسازی، عوارض پسماند و عوارض خودرو می گردد.

با توجه به این که عمده درآمد شهرداری‌ها از محل درآمدهای ساختمانی خصوصاً فروش تراکم مازاد حاصل می گردد و این نوع درآمد بسته به شرایط اقتصادی کشور، قیمت مسکن، تورم و... متغیر است لذا شهرداری‌ها دچار عدم ثبات درآمد شده و در نتیجه در پیش‌بینی بودجه ثابت هم دچار مشکل می گردند.

به منظور رفع این نقطه ضعف و کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی، شهرداری‌ها می‌بایست متکی به درآمدهای پایدار باشند که مهم‌ترین آن‌ها عوارض نوسازی و عمران شهری می‌باشد.

از جمله راه‌کارهای موجود جهت ایجاد درآمد پایدار می‌توان به مشارکت بخش خصوصی در پروژه‌های عمرانی، اجرای طرح‌های جامع و تفصیلی (که مانع اجرای سیاست‌های سلیقه‌ای شود)، سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف مانند خرید سهام بانک‌ها و ... اشاره کرد.

با اجرای راه‌کارهای مناسب در جهت ایجاد درآمد پایدار، رفته‌رفته شهرداری‌ها به جای تکیه بر درآمد حاصل از فروش تراکم به دنبال ارزش افزوده متناسب با زمین، منطقه و نوع کاربری ساختمان‌ها خواهند بود.

مسئله دیگری که در بخش درآمد، شهرداری‌ها با آن مواجه هستند کوتاه بودن عمر مدیریت‌ها می‌باشد که موجب اتخاذ سیاست‌های درآمدی کوتاه مدت می‌گردد. این سیاست‌ها خود مانعی بر سر راه رسیدن شهرداری به درآمدی پایدار می‌گردند.

در مبحث هزینه نیز از جمله مهم‌ترین نقطه ضعف‌ها، عدم مدیریت صحیح هزینه‌ها می‌باشد که در جهت اصلاح آن می‌بایست راه‌کارها و روش‌های مدیریتی به گونه‌ای اعمال گردد که تمامی هزینه‌ها در جهت ایجاد درآمد باشد و یا موجب ثبات درآمدی گردد.

در حقیقت، مدیریت هزینه یعنی اداره کردن و بهینه کردن هزینه‌ها در راستای فعالیت‌های اصلی و قابلیت‌های کلیدی شهرداری‌ها. به عبارتی هزینه کردن تنها در

راستای نیل به اهداف و برنامه‌های شهرداری معنی دارد. به طور کلی می‌توان گفت شناخت محیط درونی همچون ریسک پول، امکانات، تجهیزات و نیروی انسانی و همچنین درک محیط بیرونی و مواردی از قبیل تورم، نوسانات نرخ ارز، قوانین و مقررات، حوادث غیر مترقبه، شرایط سیاسی و... می‌تواند در نگرش مدیریت نسبت به نوع و چگونگی هزینه کردها موثر باشد. از طرفی عواملی چون: فرهنگ‌سازی و آموزش، استفاده از فناوری‌های روز، تغییر نگرش مدیریت، شناخت دارایی‌های قابلیت‌ساز، ارزش آفرین کردن هزینه‌های سرمایه‌گذاری، استفاده بهینه از تمامی ظرفیت‌های خدماتی و تولیدی و اعمال مدیریت صحیح نگهداری تجهیزات موجود، شناسایی و حذف فعالیت‌های موازی و دوباره‌کاری‌ها و... می‌تواند در کاهش هزینه‌ها تاثیرگذار باشد.

منابع

- پایگاه خبری تحلیلی اقتصاد مقاومتی: <http://reconomy.ir>
- خانباشی، محمد، مقاله «تحقق اقتصاد مقاومتی در سایه مدیریت جهادی»، سایت تحلیلی تبیینی برهان
- صالحی، معصومه؛ مرضیه جباری و عبادالله عباسی، (1391). «اقتصاد مقاومتی، ضرورتها و مولفه‌ها»، همایش ملی فرهنگ‌سازی اصلاح رفتارهای اقتصادی در ایران امروز، ابرکوه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابرکوه
- صدر، سید شهاب‌الدین، (1391). اقتصاد مقاومتی: راه‌کارها و موانع پیشرو با نگاهی به گذشته و حال اقتصاد ایران، تهران، پیشگامان توسعه
- کریمی، سحر و محمد صفاری انارکی، (1392). «اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب»، همایش سراسری مروری بر تاریخ اقتصاد مقاومتی در ایران، محلات، دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات
- مهدی‌پور، شهربانو و رضا عباسی، (1392). اقتصاد مقاومتی و سبک زندگی، کرمان، سازمان بهزیستی.